

سیاست‌های کودکانه در قبال پاکستان

ششگانه



نتیجه سفر اشرف غنی به پاکستان شکریه بارکزی از یک حمله انتحاری جان به دربرد

ششگانه

مشاور رییس جمهور:

در همین هفته فرمان توزیع شناسنامه‌های برقی صادر می‌شود



نشستی که روز یکشنبه، ۲۵ عقرب ۱۳۹۳، از سوی شبکه نهادهای مدنی برای تحکیم پروسه انتخابات در کابل برگزار شد، گفت دلیلی برای تعویق انتخابات پارلمانی وجود ندارد: «مشکل اساسی این است که تعویق انتخابات اولین قدم برای زیرپا کردن قانون اساسی است. چیزی که رییس جمهور نمی‌خواهد به هیچ وجه چنین کاری صورت بگیرد».

مسئولان شبکه نهادهای انتخاباتی می‌گویند آوردن اصلاحات در کمیسیون‌های انتخاباتی نیازمند زمان است و انتخابات پارلمانی حداقل یک سال به تعویق بیفتد. وجود میلیون‌ها کارت سرگردان و اضافی سبب شده تا یک شخص بتواند در انتخابات چند بار رای بدهد. همچنین مشخص نبودن لیست رای دهنده‌گان در حوزه‌های

شبکه نهادهای مدنی برای تحکیم پروسه انتخابات پیشنهاد کرد که انتخابات پارلمانی به منظور اصلاحات در کمیسیون‌های انتخاباتی یک سال به تعویق بیفتد؛ اما حکومت با این پیشنهاد مخالفت نموده است.

بر اساس دستور قانون اساسی افغانستان، انتخابات پارلمانی باید در ماه ثور سال ۱۳۹۴ برگزار گردد؛ اما تاکنون نشانی از آماده‌گی‌ها برای برگزاری آن دیده نمی‌شود. هنوز مشخص نیست که انتخابات پارلمانی افغانستان در کدام تاریخ برگزار خواهد شد.

پس از انتخابات جنجالی و دردسرساز ریاست جمهوری و شوراها و ولایتی، نهادهای انتخاباتی نگران تکرار تقلب گسترده در انتخابات پارلمانی هستند.

عبدالعلی محمدی، مشاور حقوقی رییس‌جمهور غنی در

بریده‌یی از سخنان احمدولی مسعود

در سمینار علمی «موقف‌های سیاست خارجی - دولت وحدت ملی» در دانشگاه خصوصی دنیا



افغانستان را نمی‌توان صرف در محدوده نام افغانستان؛ بل در تاریخ کامل این سرزمین، از تاریخ اوستایی تا شاهنامه یافت.

کشور باستانی ما، در مسیر جاده ابریشم، نقطه وصل تمدن‌های بزرگ قرار داشته که فرهنگ متنوع و جامعه ما متأثر از همان موقعیت تاریخی می‌باشد.

امروز افغانستان، در قلب آسیا نبض منطقه را می‌سازد که با تهاجم شوروی سابق حساس گردید و تا امروز این حساسیت‌ها با جنگ‌های نیابتی ادامه دارد و هیچ‌گاهی استقرار پیدا نکرد.

افغانستان به حیث یک کشور حایلی میان انگلیس و روس، برای اولین بار، در قرن بیست بود که راهکار سیاست خارجی خود را تدوین کرد که از آن زمان به بعد، دوره‌های مختلف سیاست خارجی را به تجربه

داکتر عبدالله: ترکیب کابینه با تغییرات اساسی به زودی اعلام می‌شود



رییس اجرایی دولت وحدت ملی افغانستان اعلام کرد: اعضای کابینه جدید به زودی با تغییرات اساسی معرفی خواهند شد.

داکتر عبدالله عبدالله، رییس اجرایی دولت وحدت ملی که روز یکشنبه در دانشگاه نظامی مارشال فهیم در کابل صحبت می‌کرد، گفت: کابینه دولت جدید به زودی و با تغییرات اساسی و گسترده اعلام خواهد شد.

عبدالله تأکید کرد: تحولات سیاسی، اساسی و بزرگی در کابینه کشور به وجود آمده...

ادامه صفحه ۶

در برگ‌ها



معرفی کابینه:
نخستین آزمون
دولت وحدت
ملی در راه
حکومت‌داری
خوب

از جهان سوم
به جهان
اول داستان
سنکاپور
از سال ۱۹۶۵
الی ۲۰۰۰ میلادی



در کشور
خداداد
افغانستان



نگاهی
به
اندیشه‌های
یوهان
گئورگ هامان

گرفته است. سیاست خارجی دوره عناصر چپی، دوره مجاهدین و دوره طالبان.

اما با حوادث ۹ و یازدهم سپتمبر افغانستان کانون توجه جامعه جهانی گردید و روابط بی‌سابقه خارجی ایجاد شد. متأسفانه دولت افغانستان از این همه روابط بنابر ضعف برنامه‌ریزی، دست‌گاه دیپلوماسی غیر فعال، حتا نتوانست یک نسخه تدوین شده خطوط اساسی سیاست خارجی...

ادامه صفحه ۶

معرفی کابینه؛

نخستین آزمون دولت وحدت ملی در راه حکومت داری خوب



اند، تأکید می‌کردند و حکومت داری خوب و شایسته‌سالاری را اساس حکومت خود در صورت برنده شدن بیان می‌داشتند. حالا فرصت آن است تا ایشان به این شعارهای خود جامه عمل بپوشانند و زمینه حکومت داری خوب را فراهم آورند. زمان آن رسیده است که حکومت وحدت ملی بر استفاده از روش‌های سنتی نقطه پایان بگذارد و با استفاده از روش‌های مدیریت نوین و حکومت داری خوب، منافع عمومی را افزایش دهد و زمینه هرچه بیشتر همکاری بین دولت و شهروندان را فراهم آورد.

باید گفت که حکومت وحدت ملی، راهی جز حکومت داری خوب ندارد؛ چون مردم در سیزده سال گذشته شعارهای زیادی شنیدند که هیچ‌گاه با عمل همراه نشد، بنابراین آن‌ها خواهان اقدام‌های عملی اند که باعث دگرگونی شرایط جاری و ایجاد ثبات در کشور شود. هم‌چنان این نکته را نباید فراموش کرد که حکومت وحدت ملی نیازمند مشروعیت داخلی و حمایت خارجی است، حکومت داری خوب می‌تواند زمینه کسب این دو مهم را فراهم سازد.

انتظار می‌رود حکومت وحدت ملی با درک شرایط افغانستان و جدا از هر گونه مصلحت‌گرایی کابینه‌یی را بسازد که بتواند چرخ سیاسی و اقتصادی افغانستان را به بهترین گونه به گردش درآورد.

معرفی کابینه جدید می‌تواند نخستین محک حکومت وحدت ملی در راه حکومت داری خوب و به‌دست آوردن حمایت شهروندان کشور و جامعه جهانی باشد. اگر این کابینه بر اساس معیار شایسته‌گی و جدا از هر گونه مصلحت‌گرایی ساخته شود، می‌تواند به آینده افغانستان و ثبات حکومت وحدت ملی باورمند شود. اما در غیر آن، حکومت وحدت ملی در نخستین آزمون، نخستین سنگ ناکامی خود را خواهد گذاشت.

باید انتظار کشید و دید که حکومت وحدت ملی چه‌گونه کابینه‌یی را به پارلمان معرفی می‌کند و چه‌گونه از نخستین آزمون در راه حکومت داری خوب بیرون می‌آید.

رسید. کارگاه‌های آموزشی بی‌شماری برای ظرفیت‌سازی در حکومت، جامعه مدنی و سکتور خصوصی برگزار شد. کارگاه‌هایی که انتظار می‌رفت روند حکومت داری در افغانستان را دگرگون سازد، ظرفیت کارمندان اداره‌های مورد هدف را بالا ببرد، پالیسی‌ها و قوانین لازم را به‌وجود آورد و زمینه شکوفایی افغانستان در عرصه‌های مختلف را فراهم سازد.

از کنفرانس بن اول تا کنفرانس بن دوم و کنفرانس توکیو، جامعه جهانی همواره بر حکومت داری خوب و برچیدن فساد اداری در افغانستان تأکید می‌کرد، حتا در بسیاری موارد جامعه جهانی کمک‌های خود را مشروط به حکومت داری خوب و برچیدن فساد اداری در افغانستان می‌ساخت.

حامد کرزی رئیس‌جمهور گذشته هم در هر کنفرانس بین‌المللی در مورد افغانستان بر حکومت داری خوب و برچیدن فساد اداری از افغانستان تأکید می‌کرد و از اراده‌اش برای برچیدن فساد اداری از افغانستان سخن می‌گفت و هم در نشست‌های داخلی بر این گفته‌اش پافشاری می‌کرد و حتا می‌گفت دیگر نمی‌خواهد مصلحت‌گرا باشد؛ اما با این‌همه «حکومت داری خوب» در افغانستان در سطح یک «شعار» باقی ماند و کمترین گام عملی در این عرصه برداشته نشد.

عوامل مختلفی مانع شکل‌گیری حکومت داری خوب در افغانستان شد. مصلحت‌گرایی رئیس‌جمهور پیشین حامد کرزی، عدم اجرای قانون، نبود اراده واقعی برای مبارزه با فساد، قوم‌گرایی و تمرکز بر روش‌های سنتی و مدیریت ضعیف از جمله عمده‌ترین این عوامل بودند. این عوامل به گونه‌ی زنجیره‌یی با هم پیوند دارند که وجود هر یک موجب تقویت دیگری می‌شود.

حکومت وحدت ملی و نخستین آزمون در جریان پیکارهای انتخاباتی داکتر محمد اشرف غنی رئیس‌جمهور و داکتر عبدالله رییس اجرایی حکومت وحدت ملی همواره بر مشارکت همه‌گانی، پاسخ‌گویی، برابری، حاکمیت قانون و شفافیت که عمده‌ترین ویژگی‌های حکومت داری خوب

از حکومت داری خوب، تعریف‌های گوناگونی ارائه شده است. یکی از این تعریف‌ها، حکومت داری خوب را عبارت از تمرکز بر اهداف سازمانی و پیامد آن برای شهروندان و استفاده‌کننده‌گان خدمات دانسته است. اما تعریف دیگر، حکومت داری خوب را تصمیم‌گیری آگاهانه و شفاف و مدیریت خطر بیان داشته است. به گونه کلی می‌توان گفت؛ حکومت داری خوب عبارت از انجام امور حکومتی و سازمانی و ارائه خدمات بر مبنای اصول شفافیت، پاسخ‌گویی برابر و موثریت می‌باشد.

برنامه انکشافی ملل متحد هفت ویژه‌گی را برای حکومت داری خوب برشمرده است. این ویژه‌گی‌ها عبارت‌اند از: مشارکت دیدگاه استراتژیک، پاسخ‌گویی، شفافیت، پاسخ‌گویی مالی، برابری و حاکمیت قانون. حکومت داری خوب یکی از مفاهیم نوسنت که در دو دهه پایانی قرن بیستم به‌وجود آمد و امروز کاربرد وسیع دارد. در قرن بیست‌ویک حکومت داری خوب، یکی از عمده‌ترین عوامل برای رشد و شکوفایی سیاسی و اقتصادی کشورها شمرده می‌شود. حکومت داری خوب پیوند نزدیک با دموکراسی دارد، به گونه‌یی که حکومت داری خوب عامل پایداری و تقویت دموکراسی در یک کشور شمرده می‌شود.

نقش حکومت داری خوب در قرن بیست‌ویک به اندازه‌یی مهم است که بسیاری از نهادهای کمک‌کننده همچو: صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی - به عنوان بزرگترین قرضه‌دهنده‌گان و کمک‌کننده‌گان به کشورهای در حال توسعه - حکومت داری خوب را به عنوان یکی از عمده‌ترین پیش‌شرط‌های خود برای اعطای قرضه و کمک مالی به کشورهای در حال توسعه مطرح می‌کنند. این نهادها باور دارند که حکومت داری ضعیف، زمینه‌ساز فساد در یک کشور است.

سیزده سال گذشته

در افغانستان در ۱۳ سال گذشته، ده‌ها میلیون دالر به‌نام حکومت داری خوب به مصرف

سخن‌ماندگار

اگر «طالبان»

به «داعش» تبدیل شود

حدود یک‌ماه قبل از این‌که عراق مورد هجوم سیل‌آسای نیروی داعش قرار گیرد، نشر برخی ویدیوکلپ‌ها از طریق شبکه‌های اجتماعی نشان داد که افراد ناشناس و نقاب‌پوشی در ولایت نورستان، طالبان را به دار می‌آویزند. تا آن‌گاه نشانه‌یی از داعش و حضور فعال آن‌ها در خاورمیانه وجود نداشت. بعدها وقتی فعالیت‌های انسان‌ستیزانه داعش در سطح جهانی مطرح گردید، دریافته شد که همان نیروهای نقاب‌پوش در ولایت نورستان چیزی نبوده جز گروهی از آموزش دیده گان استخبارتی که پاکب و چست کارهای شان انجام می‌دادند.

اندکی بعدتر سروصدای داعش در ولایت غزنی به گوش رسید که تصور می‌شد از خاورمیانه به جنوب آسیا در حال گسترش‌اند. اما پُر واضح است که داعش به همین ساده‌گی و فقط چند ماه بعد از ظهورشان در خاورمیانه، وارد افغانستان نشده بودند. آن‌گونه که از قراین پیداست، گروه‌های از حزب اسلامی گلبدین حکمتیار و نیز دسته‌هایی از طالبان و نیز حلقه‌های جدیدی گرم یک برنامه جمع می‌شوند و زیر نام داعش فعالیت‌هایی را انجام می‌دهند و شعار داعش در دانشگاه کابل و برخ جاهای دیگر از جمله نمودهایی حد اقل از از حضور اسمی داعش در افغانستان بوده است و بسیار نا ممکن نیست که روزی نام داعش جانشین و جاگزین طالبان در افغانستان شود.

این یافته از آن‌جا می‌تواند صادق باشد که به‌تازگی نیروهای امنیتی، فردی را در مسجد جامع هرات بازداشت کرده‌اند که یک عضو فعال داعش بوده است. در عین حال، چندی قبل یک بار دیگر در ولایت غزنی، فعالیت‌های تروریستی نیروهای داعش مشاهده شده است. جدا از همه گروه‌هایی مخرب محلی در برخ مناطق نیز نام خودشان را داعشی گذاشته‌اند.

اکنون می‌توان گفت که حضور داعش در افغانستان می‌تواند یک گام عملی از جانب پاکستان و شامل سیاست‌های نو این کشور و نیز در راستای سیاست‌های کلان بازیگران جهانی و منطقه‌یی باشد.

آن‌گونه که پیداست، بی‌گمان که برنامه‌های بسیار کلانی در پشت حضور داعش در افغانستان وجود دارد. این‌که چرا داعش قبل از ظهور در عراق، نشانه‌هایش در افغانستان دیده شده؛ کاملاً یک مسأله استخباراتی می‌نماید. باید زمان بگذرد تا برنامه استخبارات قدرت‌های جهانی و منطقه‌یی و این‌که مأموریت منطقه‌یی و جهانی داعش چیست، روشن گردد.

در هر صورت، آن‌چه در حال حاضر هویداست این‌که افغانستان در هجوم شدیداً وحشت‌ناکی نیروهای داعش قرار دارد و خیلی دور نخواهد بود که ما شاهد فعالیت‌های گسترده تروریستی زیر نام باشیم و این گونه آسیاس میانه با این اسم و رسم جدید دچار نا امنی‌های جدیدی از آدرس افغانستان شود.

از سوی دیگر، دیده می‌شود که فعالیت نیروهای طالبان به‌صورت گسترده و کتله‌یی از میان رفته است و حالا فقط نام طالب است که یک جنگ نیابتی را به پیش می‌برد. دیری‌ست که دیگر ما شاهد کلام نیروی فعال طالب، آن‌هم از نوع افغانی‌اش نیستیم؛ بل با گروه‌هایی مواجهیم که از آن‌سوی مرز زیر پوشش نام طالب فعالیت دارند. ناکامی و گزارش‌های شورایی به‌نام صلح نیز بر این واقعیت صحه می‌گذارد که طالبان، رهبری بومی در داخل مرز ندارند. به همین خاطر بود که این شورا نتوانست با رهبری طالبان برای خاتمه جنگ رابطه برقرار کند. در عین حال، گزارش‌های این شورا همیشه حاکی از آن بوده که جنگ از بیرون مرز رهبری می‌شود.

بنابراین می‌توان یک گمان را مطرح را کرد که کارکرد نام طالبان اکنون رو به زوال است و دیگر نمی‌شود جنگ‌های منطقه را با پتانسیل قدیم طالبان اداره کرد. اما آیا جاگزینی داعش با طالبان نمی‌تواند ادامه جنگ افغانستان را تضمین کند؟... بدون شک که چنین است و احتمالاً پس از این، منطقه شاهد فعالیت‌های سرسام‌آور داعش خواهد بود.

حتا اگر این فرض را نادرست بینگاریم، دست‌کم می‌توان گفت که با باز شدن جبهه دیگری در کنار طالبان از سوی داعش، نه تنها وضعیت جنگ افغانستان پیچیده‌تر می‌شود، بلکه به‌شدت موضع مبارزه دولت علیه تروریسم تضعیف خواهد شد. دولت افغانستان نه توانایی تسلیحاتی و نه هم نیروی مالی تشکیل جبهات مضاعف در این جنگ را دارد. در هر صورت، طرف آسیب‌پذیر جنگ، دولت و مردم افغانستان خواهد بود که همین اکنون هم به اندازه کافی آسیب دیده‌اند.

از این‌رو باید گفت که یکی از اولویت‌های دولت وحدت ملی است که مانع به هدف رسیدن این بازی شود؛ چون هنوز فرصت باقی‌ست و آن‌گونه که به نظر می‌رسد، هنوز فعالیت‌ها و اقداماتی زیر نام داعش در کشور پیچیده نشده است. هنوز می‌توان، جلو چنین چیزی را گرفت.

خبرگزاری فرانسه

دوران «صلح سرد»



گاه با وجود پکن تنها و منزوی نخواهد ماند؛ نه از نظر سیاسی و نه از نظر اقتصادی. این اختلاف بسیار بزرگ است و نکته اصلی اینجاست که غرب برای بازگردان روسیه از طریق یک شوی نظامی و استفاده از نیرو، با مشکل گسترده‌ای مواجه خواهد شد.

صلح سرد

کامیل گراند، از بنیاد تحقیقات استراتژیک می‌گوید: اگر این جنگ سرد نیست پس چیست؟ این یک «صلح سرد» است. ما در معماری جدیدی از پس از جنگ سرد به سر می‌بریم؛ جایی که ایده همکاری، یک مسیر طبیعی پرداختن به مساله روسیه است که دیگر هم اعتباری ندارد. در یک مدت طولانی‌تر روسیه ابزاری برای آنکه ابر قدرت باشد ندارد. این تنها یک تصور برای خشنود کردن مردم روسیه است. غرب باید متوجه باشد که به یک دوره جدید در ژئوپلیتیک وارد شده و باید ائتلاف وقت را به امید بازگشت به یک اوضاع بهنجار از سر بیرون کند. البته باید به این مساله توجه داشته باشیم که درگیری اوکراین در حال تبدیل شدن به یک جنگ نیابتی است. در این مورد، آنچه ما در روابط غرب و شرق امروزه شاهدش هستیم بازپخش جنگ سرد است؛ بله، در مقیاس کوچک اما با همان امکان مساوی خطر افزایش تنش‌ها.

مدت‌ها پابرجا بماند. همانطور که روسیه ولادیمیر پوتینی نمی‌تواند در حال حاضر برای غرب پذیرفتنی باشد، شوروی نیز در آن زمان برای چندین دهه دشمنی برای اروپا و آمریکا بود.

ساموئل چارپ و جرمی شاپیرو در گزارش اخیر خود در «تاریخ حاضر» می‌نویسند: شوروی توسعه‌طلب بود؛ قدرت ایدئولوژیکی با جاه‌طلبی‌های جهانی و دشمنی عمیق با منافع غربی روسیه پس از شوروی نیز غیر قابل تحمل است و در سال گذشته هم تعدادی از هنجارهای بین‌المللی را زیر پا گذاشت است. تغییرات زلزله‌وار در زمان فروپاشی پرده آهنین هم از لحاظ سیاسی و هم اقتصادی رخ داده و اوضاع را برای بازگشت دوباره جنگ سرد غیر ممکن کرده است.

علی‌رغم تحریم‌ها علیه روسیه به خاطر دست داشتن در تحولات اوکراین اقتصاد غرب و روسیه به شدت دگرگون و به هم تنیده شده و از نظر سیاسی هم مسکو و غرب با یکدیگر در مسائل مختلفی همکاری کرده‌اند؛ به ویژه درباره مساله هسته‌ای ایران. سرگئی رادخپکو، کارشناسان مسائل روسیه و جنگ سرد در دانشگاه آبریتوس انگلستان می‌گوید: تفاوت فاحش امروز میان این دو ابر قدرت مساله چین است. امروز، چین بزرگترین تضمین برای روسیه است مبنی بر اینکه مسکو هیچ

«وجود زیردریایی‌های سری روسیه در سواحل سویدن، تحریم‌های تلافی‌جویانه، رهگیری جنگنده‌های روس توسط ناتو و ارتباط متشنج میان غرب و مسکو بر سر مساله اوکراین هراس از بازگشت به دوران جنگ سرد را به وجود آورده که جهان را برای چندین دهه گرفتار خود کرده بود.» حتی میخائیل گورباچف، آخرین رهبری شوروی در بزرگداشت بیست و پنجمین سالگرد سقوط دیوار برلین نسبت به وقوع جنگ سرد دیگری در جهان هشدار داد و اعلام کرد: اگر اوضاع میان شرق و غرب به همین منوال پیش برود روسیه و غرب بر سر مساله اوکراین و سایر مسائل به توافق نرسند، جهان جنگ سرد دیگری را به خود خواهد دید که مطمئناً خوشایند نخواهد بود.

البته این هشدار تنها از جانب گورباچف پیر نبود، حتی الکساندر استاب، نخست وزیر فنلاند نیز نسبت به این مساله هشدار داد و گفت: اقدامات روسیه در اوکراین، جهان را در آستانه یک جنگ سرد دیگر قرار می‌دهد.

اما در حالیکه کارشناسان موافقتند که اوضاع کنونی به شدت خطرناک است، بر این باورند که تشخیص زمان تغییر موضع امریکا و روسیه، این دو ابر قدرت اتمی جهان، مشکل است حتی به نظر می‌رسد تنها چند دقیقه مانده به نابودی جهان این تغییر حاصل شود!

کارشناسان به جای یک جنگ سرد، دوره‌ای از تعادل و توازن مجدد ژئوپلیتیکی را سال‌ها پس از ایفای نقش ایالات متحده به عنوان ابر قدرت جهان شاهدهند.

ولادیمیر ایوسو، مدیر اندیشکده مرکز مطالعات سیاست عمومی مستقر در مسکو می‌گوید: گفتن این که ما در یک جنگ سرد هستیم، بدفهمی و برداشت نامناسب از اوضاع کنونی است. این یک جنگ سرد نیست بلکه دوره‌ای از انتقال است. تسلط غرب رو به افول است؛ غرب دیگر نمی‌تواند بر جهان امر و نهی کند.

توسعه طلبی، قدرت ایدئولوژیکی

کارشناسان می‌گویند، چندین فاکتور در تنش کنونی میان واشنگتن و مسکو وجود دارد که آن را با فاکتورهای میان این دو ابر قدرت تا زمان سقوط دیوار برلین به سال ۱۹۸۹ متمایز می‌کند.

ایوسو می‌گوید: نخست، جنگ سرد بیش از یک درگیری میان دو ابر قدرت رقیب بود؛ بلکه یک جنگ یا بهتر است بگوییم نبرد ایدئولوژیکی، نبرد ایده‌ها که دیری هم نپایید.

در اینجا تفاوت‌های فاحش ایدئولوژیکی وجود دارد اما پرده آهنین مدت‌ها نتوانست به طول بینجامد و حتی در دوران حاضر هم نمی‌تواند

اردوغان:

پیش از کریستف کلمب، مسلمانان امریکا را کشف کردند



رئیس جمهوری ترکیه اعلام کرد، پیش از کریستف کلمب، مسلمانان اولین کسانی بودند که قاره امریکا را کشف کردند. به نوشته روزنامه حریت، رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه در جریان نخستین نشست رهبران مسلمان کشورهای امریکای لاتین در استانبول گفت: دین اسلام پیش از کریستف کلمب گسترش یافته بود و آن‌ها پیش از کلمب در قرن ۱۵ میلادی، وارد قاره امریکا شده بودند. دریانوردان مسلمان در سال ۱۱۷۸ میلادی به سواحل امریکا رسیدند. کریستف کلمب در خاطرات خود به وجود مسجدی در بلندای کوهی در کوبا اشاره می‌کند.

این ادعا که اردوغان آن را در صحبت‌هایش آورده به مطلبی نوشته «یوسف مروه» از بنیاد امریکایی «السنه» به سال ۱۹۹۶ باز می‌گردد و در آن آمده است: کلمب در یادداشت‌های روزانه‌اش به تاریخ ۲۱ اکتبر ۱۴۹۲ میلادی به مساله وجود یک مسجد بر بلندای یک کوه در کوبا اشاره کرده است.

البته اعتبار و صدق این مساله در گذشته زیر سوال بوده و تاکنون به اثبات نرسیده است.

اردوغان همچنین با اشاره به این ادعا ادامه داد: روی سخن من با برادران کوبایی است. مسجدی عظیم باید امروز بر بلندای همان کوهستان ساخته شود.

انتقاد وزرای دفاع سابق امریکا

از مدیریت خرد اوباما



وزرای دفاع سابق امریکا از «مدیریت خرد» رئیس جمهوری این کشور در خصوص ارتش انتقاد کردند.

به گزارش خبرگزاری فرانسه، لئون پانه‌تا، وزیر دفاع سابق امریکا گفت: در ۲۵ تا ۳۰ سال گذشته ما شاهد تمرکز قدرت در کاخ سفید بودیم به همین دلیل تعداد اندکی صدا به گوش می‌رسید.

پانه‌تا بدون نام بردن از دولت باراک اوباما، رئیس جمهوری امریکا گفت: زمانی که شما وارد کاخ سفید می‌شوید، کارکنان آنجا تصمیم می‌گیرند که چه کاری باید انجام شود.

لئون پانه‌تا در دولت اوباما بین سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۱ به عنوان رئیس آژانس اطلاعات مرکزی امریکا (سیا) خدمت کرد و بین سال‌های ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۳ وزیر دفاع این کشور بود. رابرت گیتس نیز مدیر سابق سیا در دوران جورج هربرت واکر بوش و در دوران جورج بوش و اوباما نیز وزیر دفاع بود و علناً از کاخ سفید اوباما انتقاد کرد.

وی تاکید کرد که همواره اختلافات زیادی میان رئیس جمهور و مشاوران نظامی وجود داشته است اما مدیریت خرد بر ارتش دولت اوباما را جدا کرد.

رابرت گیتس گفت: نگرانی من درباره روابط کاخ سفید و ارتش امریکا در خصوص مسائل خیلی بزرگ نیست. بلکه درباره تمایل رو به افزایش کاخ سفید برای کنترل و مدیریت هر جنبه از امور ارتش است.

وی دولت اوباما را با لیبون جانسون مقایسه کرد و گفت که وی شخصاً اهداف نظامی را در جنگ ویتنام انتخاب می‌کرد. رابرت گیتس تاکید کرد: این مدیریت خرد است که مرا دیوانه می‌کند. این وزیر دفاع سابق امریکا تاکید کرد که دولت اوباما موضعی کاملاً متفاوت با دولت‌های بوش اتخاذ کرده است و در دوران بوش‌ها زمانی که یک تصمیم گرفته می‌شد دیگر مدیریت خرد وجود نداشت.

خانواده بوتو عرصه سیاسی پاکستان را رها نمی‌کند

شدم، از گذشته درس گرفتم اما به آینده چشم دوختم.

پدر بزرگ بیلاوال به خاطر بسیج نخستین حزب کشور و استفاده از شعار «غذا، مسکن و پوشاک» برای معطوف کردن توجهات از مذهب به مسائل اقتصادی معروف است. تحت حکومت وی، خدمات دولتی و فرصت‌های آموزشی برای نخستین‌بار برای زنان فراهم شد و تمامی مردم پاکستان حق داشتن پاسپورت را به دست آوردند. یکی از مقامات دولت گفت: کارزمای ذوالفقار علی بوتو تنها احساسی نبود. او یک برنامه اقتصادی داشت. بوتو سرمایه‌گذاری را به پاکستان آورد. او به ما برنامه اتمی را داد. اما تحلیلگران و بسیاری از رای‌دهندگان معتقدند که خطرات ذوالفقار علی و بی‌نظیر بوتو در حال محو شدن است و این لحظه توسط سیاستمدارانی همچون عمران خان تصرف شده که پیام‌های ضدفسادش جوانانی را که خواستار رهایی از سیاست‌های سلسله‌ای هستند، جذب می‌کنند.

حسین حقانی، یکی از دوستان خانواده بیلاوال و سفیر سابق پاکستان در امریکا می‌گوید: هیچ‌یک از این شایعات که در گذشته حزب مردم پاکستان را ناراحت کرده، نتوانسته شهرت بیلاوال را خدشه‌دار کند.

جیمی چاندیو، تحلیلگر سیاسی گفت: محیط سیاسی کنونی پاکستان بسیار رقابتی است و بیلاوال یک گروه و یک پیام جدید لازم دارد. اگر می‌خواهد تا مسائل را تغییر دهد باید دوستان پدرش را از حزب اخراج کند.



می‌داند که انرژی و اشتیاق پسرش بسیار زیاد است. اداره حزب مردم پاکستان، تمامی تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها همچنان به عهده آصف علی زرداری است. بیلاوال هیچ اختیار یا تجربه‌ای ندارد و رئیس آصف علی زرداری است. اما چهره بزرگترین خاندان سیاسی پاکستان بودن، کار بسیار خطرناکی است. ذوالفقار علی بوتو، پدر بزرگ بیلاوال در سال ۱۹۷۹ میلادی پس از برکناری از قدرت در پی یک کودتای نظامی، به دار آویخته شد. بی‌نظیر بوتو، مادر بیلاوال در سال ۲۰۰۷ میلادی چند ماه پس از بازگشت به پاکستان از یک تبعید خودخواسته هشت ساله، در جریان تیراندازی کشته شد.

بیلاوال درباره تعلیم و آموزشش در خانه گفت: پدرم به من آموزش داد تا در سیاست نقشی ایفا کنم. من سیاست را از مادر و پدرم یاد گرفتم. من وارد سیاست

به نظر می‌رسد بیلاوال بوتو زرداری ۲۶ ساله از ماه گذشته میلادی رسماً حرفه سیاسی‌اش را با شرکت در راهپیمایی شهر کراچی و قول به حامیانش برای احیای حزب مردم پاکستان آغاز کرده است.

به گزارش خبرگزاری رویترز، بیلاوال بوتو زرداری دانشجوی ۱۹ ساله دانشگاه آکسفورد بود که خانواده‌اش وی را به عنوان رئیس قدیمی‌ترین حزب پاکستان معرفی کردند و اکنون وی آماده شده تا زمام امور این خاندان را به عهده گرفته و حزب سیاسی خانواده‌اش را به قدرت بازگرداند.

اگرچه بیلاوال به عنوان چهره جدید آرمان‌گرای این حزب پدیدار شده، اما آصف علی زرداری، پدر بیلاوال و یکی از بدنام‌ترین سیاستمداران پاکستان همچنان زمام امور این حزب را به دست دارد.

دوران ریاست جمهوری پنج ساله آصف علی زرداری با اتهامات فساد و بی‌کفایتی در ذهن مردم ثبت شده و حزب مردم پاکستان در انتخابات سال ۲۰۱۳ میلادی رای نیاورد و نواز شریف، نخست‌وزیر این کشور زمام امور را به دست گرفت.

در حالی که حزب مردم پاکستان به نام و میراث بوتو برای متحد نگه داشتن حامیانش تکیه کرده اما اعضای این حزب می‌گویند، بیلاوال بدون تبحر سیاسی پدرش آینده‌ای ندارد.

یکی از دوستان خانواده بیلاوال بوتو زرداری که خواست نامش فاش نشود، گفت: بیلاوال می‌داند که تجربه پدرش را ندارد. آصف علی زرداری نیز

بخش سوم و پایانی

نگاهی به اندیشه‌های یوهان گئورگ هامان



زهره روحی

واقعیت این است که این تجربه‌های فردی از آن‌جا که تابع نظامی از روابطی است که آن‌ها را شکل می‌دهد، غیرقابل شناسایی و یا غیر قابل ارتباط باقی نمی‌ماند (همان‌جا). مسلماً مقصود هامان، کاملاً در چارچوب خداشناسی وی جای دارد؛ فی‌المثل با چنین تفسیری که هر چند فرهنگ‌ها و تمدن‌ها و یا اهداف و دریافت‌ها متفاوت و در نتیجه شیوه‌های متفاوت «بودن» در جهان وجود دارد، اما همه این‌ها حلقه‌هایی از زنجیر واحدی‌اند که مبنایش رابطه انسان و خدا است. اما لازم است یادآوری کنیم که ضمن حرمت به چنین نظری، استفاده ما از روش وی بدون در نظر گرفتن مباحث خداشناسی اوست. یعنی صرفاً در چارچوب نتایج انضمامی وی در خصوص رابطه «تجربه»، «عمل» و «شناخت، یا همان دریافت» بر محور «نظامی از روابط» باقی می‌ماند. به بیانی، برجسته ساختن این نظر که نمی‌توان تجربه را از عمل، شناخت و یا دریافتی جدا کرد که همه‌گی در قلمرو روزمره به هم می‌پیوندند. و جالب این‌که همین نظر انضمامی است که هامان را برمی‌انگیزد تا در عصری که بینش غالب و متعارف، باور به وجود فاصله بین ایزه و سوژه بود، بکوشد معنای «عمل» را در «بروز وجود فردی» تفسیر کند (ص ۸۴). وجودی که به دلیل فردیتش بی‌نهایت متنوع و غنی جلوه‌گر می‌شود (همان‌جا). اما یکی از مشکلات هامان که از رویکرد انضمامی، الهی‌اش ناشی می‌شود - و مسلماً در حیطه خداشناسی وی مشکلی ایجاد نمی‌کند، - اغراق بیش از اندازه وی در مفهوم «فردیت» است. به بیانی درست است که تنوع و تکثر در قلمرو الهی به خدای واحدی که جلوه‌های متکثر دارد، ختم می‌شود، اما هنگامی که هامان همین تأویل و تفسیر را به مسایل بشری تعمیم می‌دهد، نتیجه‌اش این می‌شود که گاهی با چهره اغراق‌شده‌یی از فردیت مواجه شویم. فی‌المثل در مورد «منحصر به فرد بودن انسان‌ها و چیزها یا نبود مشخصات مشترک و مهمی که بتوان آن‌ها را انتزاع و نظری کرد» (ص ۱۵۸). و همین امر دلیلی می‌شود تا برخلاف تلاش و عمل‌کرد آرمان روشن‌گری، به کل منکر شناخت چیزها گردد. به عنوان مثال درباره کنش و یا عمل زنده‌گی بر این باور است که نمی‌توان آن را به شناخت درآورد چرا که

زنده‌گی را امری ایستا نمی‌بیند (ص ۸۶). اما از آن‌جا که وی مدعی شناخت و تبیین غایت‌شناسی برای انسان است، (ادعایی که خواهی نخواهی متکی بر نوعی شناخت و روشن‌بینی است) پرسش این است که چه‌گونه می‌تواند هم‌زمان مدعی این حکم باشد که آدمی نمی‌تواند به شناخت «عمل زنده‌گی» روی آورد! آن‌هم صرفاً به این دلیل که زنده‌گی یا همان عمل زنده‌گی امری ایستا نیست! در هر حال، صرف نظر از گزاره‌گویی‌ها و یا افراط و تفریط‌های احساسی، هامان یکی از موشکاف‌ترین متفکرینی است که در دو قرن پیش به نحوه چند ساحتی و در عین حال وحدت‌آمیز حضور آدمی در صحنه زندگی مشتاق بوده است. او با سود بردن از نظریات تجربه‌گرایان، به شیوه‌یی انضمامی آن‌ها را می‌پروراند و حاصل این نظر ساده و واقعی می‌شد که هیچ‌چیز بیرون از تجربه نباشد (ص ۷۲). اکنون اگر مطابق رویکرد هامان این تجربه را مورد بازبینی دقیق قرار دهیم، با منتیبت روابطی مواجه می‌شویم که به زعم هامان فقط در آن است که انسان تکوین می‌یابد و در صدد شناخت خود و ماهیتش برمی‌آید (ص ۱۱۲). باری مهم این نیست که هامان بر اساس دیدگاه دینی خود، مبنایی الوهی برای این روابط در نظر می‌گیرد، بلکه مهم برای ما در این متن، روش انضمامی او و نگاه تأمل‌برانگیزش بر «رابطه‌مندی» آدمی است. به عنوان مثال، او در یافته بود که انسان فقط در رابطه با انسان و پاسخ به دیگرانی شبیه خودش است که می‌اندیشد و عمل می‌کند (ص ۱۰۵). وانگهی وی طبیعت آدمی را در «ارتباط‌داشته‌گی مستمر» (چه با خدا و چه با سایر موجودات و یا حتا یادآوری خویشتن) می‌داند. و جالب این‌که فهم چنین طبیعتی را خارج از این ارتباط نمی‌بیند (همان‌جا). و همین مسأله قدمی می‌شود برای آن‌که بدانیم چرا وی اندیشه را طریق استفاده از نماد معنا می‌کند. همان‌گونه که از نظرش زبان نیز همین معنا و مفهوم را دارد. اما نکته جالب این‌که وی «جوهر» این نماد را به «رابطه‌مندی» آدمی، ارجاع می‌دهد: «ارتباط من با دیگران و یا من و دیگران» (ص ۱۱۱).

به هر حال، در خصوص رابطه‌یی که هامان بین اندیشه و نماد می‌بیند، آیزایا برلین با لحنی ستایش‌آمیز می‌گوید: «یکی از اولین متفکرانی است که به وضوح می‌گوید اندیشه همان استفاده از نمادهاست و تفکر غیر نمادین یعنی تفکر بدون نمادها یا تصاویر، تصور مبهمی است...» (ص ۱۰۴). بی‌تردید با نبوغی مواجه هستیم که در عصری که هامان می‌زیست نابه‌هنگام می‌نمود، زیرا برای درک رویکرد انضمامی‌اش هنوز پیش‌فهم‌های آن موجود نبود. پیش‌فهم‌هایی که به نظر می‌رسد خود هامان آن‌ها را به باری تخیل و دقت ستودنی‌اش نسبت به تجربیات روزمره و مطالعه دقیق تاریخ فلسفه برپا داشته بود. چیزی که باعث شد تا به درک انضمامی و شگفت‌انگیزی دست یابد که کلید تمامی کشفیات او محسوب می‌شود. به عنوان مثال، همین درک است که وی را بر آن داشته بود تا بر تفکیک‌ناپذیر بودن صورت هنری از خود هنر و زبانی که آن را به کار می‌گیرد، اصرار ورزد. (ص ۱۰۶) اما این‌ها همه، چیزی از مخالفت ارتجاعی وی با شکل جدید جامعه و همچنین طبقه نوظهور بورژوازی کم نمی‌کند، اما نه به دلیل ساختار اجتماعی مبتنی بر سرمایه و دارایی بورژوازی، بلکه از این نظر که «قراردادهای اجتماعی» را جایگزین «ایمان» کرده‌اند که از نظر هامان بالاتر از هر مینافی است (ص ۷۸). و یا اگر به نفی «دولت» در شکل جدید آن حمله می‌کند (شکلی که در آن زمان روشن‌گری از آن حمایت می‌کرد)، صرفاً به این دلیل است که آدمی را اساساً بی‌نیاز به دولت و جامعه‌یی بر اساس قراردادهای اجتماعی می‌بیند. از نظر هامان، انسان به تنها چیزی که نیازمند است، ایمان و دینی است که به قول خودش در همه جوانب زنده‌گی انسان نافذ باشد... (ص ۷۳). هر انسانی کافی است به قوه انسانی خود که همانا فعلیت بخشیدن به خویش است توجه کند (ص ۷۷). و در پاسخ به این پرسش که از چه راه این فعلیت به انجام می‌رسد، وی به ساده‌گی و بدون در نظر گرفتن پیچیده‌گی‌های «رابطه‌مندی عمل و تجربه» به پدیده‌های طبیعت و وقایع تاریخی - که گویی در فضایی فارغ از مسایل روزمره برساخته می‌شوند، - متوسل می‌شود: آن‌ها «به من می‌گویند چه هستم، چه می‌توانم باشم و چه‌گونه به خود فعلیت ببخشم آن‌هم تنها از راه فهم رابطه خودم با خدا و جهان. این رابطه فقط در عمل فعلیت می‌یابد.» (همان‌جا)

حافظه کودک‌تان را پایانی

شیوه افزایش دهید!

کودک و ضعف حافظه

چه کسی گفته است ضعف حافظه، فقط در افراد مسن پیش می‌آید؟! ضعف حافظه برای هر کسی صرف‌نظر از سن می‌تواند پیش بیاید. متأسفانه برخلاف آنفلوآنزا و سرماخوردگی، ضعف حافظه هیچ داروی مشخصی ندارد تا شما بتوانید با مصرف آن، به سرعت نتیجه دارو را ببینید و بتوانید ظرفیت حافظه‌تان را بالا ببرید. مکمل‌ها و ویتامین‌ها برای تقویت حافظه در همه داروخانه‌ها پیدا می‌شوند، ولی واقعاً در مورد هیچ‌کدام از آن‌ها اثبات نشده که می‌توانند روی بازگشت حافظه تأثیر داشته باشند.

آیا کودک‌تان در به یادآوری اطلاعات مشکل دارد؟ شاید اکنون زمان آن است که کودک‌تان را مورد بررسی قرار بدهید و ببینید که چه‌گونه می‌توانید به او کمک کنید تا بتواند حافظه‌اش را تقویت کند.

خیلی تأسف بار است وقتی ضعف حافظه کوتاه‌مدت، در کودکی اتفاق می‌افتد؛ ولی خبر خوب این است: راه‌هایی وجود دارد که شما می‌توانید حافظه کودک‌تان را پرورش دهید!

بازی فکری

واضح است که اطفال بازی کردن را دوست دارند. هر نوع از بازی آن‌ها را جذب می‌کند. بنابراین از این خصوصیت آن‌ها استفاده کنید و بازی‌های فکری بدون محدودیت با آن‌ها انجام دهید.

بازی‌های فکری و پازل‌ها، بازی‌هایی هستند که این فرصت را به اطفال می‌دهند تا آن‌ها فکر کنند و استراتژی‌هایی را طراحی کنند. به این ترتیب، مغز آن‌ها اجازه پیدا می‌کند تا فعالیت داشته باشد و از این‌رو کودک این توانایی را پیدا می‌کند که در آینده به ظرفیت بالاتری از حافظه دست یابد. ولی تنها بازی‌های فکری و پازل‌ها کافی نیستند.

نشاط روحی روانی

این فرصت را به کودکان‌تان بدهید تا از نظر روحی و روانی نیز فعالیت داشته باشند. روحی مژده و غیرفعال جلوی پیشرفت پروسه بازیابی و ذخیره‌یابی اطلاعات را می‌گیرد.

بازی در زمین

بردن اطفال به زمین‌های بازی به صورت متناوب و مستمر به آن‌ها کمک می‌کند تا



فعالیت فیزیکی و جسمی داشته باشند.

کودکی که دچار نوعی کمبود ارتباط با دنیای اطراف و بیرون باشد، سست و بی‌حال خواهد شد. وقتی طفل بیرون برده می‌شود، تمایل پیدا خواهد کرد تا چیزهای جدیدی کشف کند و این کار باعث می‌شود روح و روان او به فعالیت واداشته شود.

کودک در محیط بیرون و زمین‌های بازی، تصور و تخیلاتش را به کار می‌اندازد. او یاد می‌گیرد چه‌گونه گاز بخورد، یاد می‌گیرد چه‌گونه باید از زینه پایین بیاید و... شاید کارهایی که او می‌کند، به نظر‌تان خالی از نکته نباشد؛ ولی وقتی از نزدیک به کارهای او دقت کنید، متوجه خواهید شد این فعالیت‌های ساده به او اجازه می‌دهند تا او قدرت فکری و روانی خودش را با دنبال کردن کشفیات جدید ناشناخته‌ها تقویت کند.

نمایش و گسترش توانایی عقلی

مردم اغلب به تلویزیون به چشم یک اختراع بد نگاه می‌کنند، ولی نمایش‌هایی که در استودیوها ضبط شده، می‌توانند باعث گسترش توانایی عقلانی کودکان شوند که شامل قدرت به یادآوری نیز می‌شود. نوع خاصی از نمایش‌ها می‌تواند به بالا بردن سطح حافظه اطفال کمک کند. البته کارتون‌ها در این زمینه تأثیر زیادی نخواهند داشت.

همه این نظریه‌ها می‌توانند به فرزند شما کمک کنند تا حافظه‌اش در مسیر درستی تقویت شود. اگر این مشکل را نادیده بگیرید و اجازه دهید کودک‌تان با همین مشکل ادامه دهد، در آینده فرزندی خواهید داشت که باید درد ضعف حافظه را تحمل کند درحالی‌که فقط ۵ سال دارد.

در کشور خداداد افغانستان



ایمیل ریپچکا - افسر ارتش آلمانی سالهای ۱۹۱۵-۱۹۲۰ را در افغانستان سپری می‌کند. او در این چهار سال فارسی می‌آموزد. در رابطه به تاریخ افغانستان و منطقه مطالعه می‌کند و با بسیاری از رسم و رواج های افغان ها آشنا می‌شود. او به زودی با شهزاده امان‌الله خان، پادشاه آینده افغانستان، سردار نسرالله خان و محمود ساسی مره مهاجرانی که در کابل اقامت به عنوان مشاور نظامی کار می‌کرد آشنا و دوست می‌شود. ریپچکا گاهی در کنار قدرتمندترین افسران این کشور روی سفره‌های رنگین می‌نشاند و گاهی سمون آب و نان به جسم اینکه دست به گودنا زده است، گوشه نشین زندان می‌کرد. سخن کوتاه اینکه ریپچکا سال‌های پر از هیجان، فوق العاده جالب و برای تاریخ افغانستان بسیار مهم را در این کشور سپری می‌کند. او تمام آنچه را که شاهد بوده می‌به جو یادداشت کرده و به این شکل ناخواسته وقایع نگار رویدادهای سال‌های ۱۹۱۵-۱۹۲۰ افغانستان می‌گردد.

طبیعت دست‌نخورده و بهشت‌مانند. در تصویرهای گذر از بامیان و سرزمین‌های هزاره‌نشین، شکوه طبیعت با شکوه و عظمت انسان می‌آمیزد، انسانی که در اوج فقر، متاع معنوی‌اش را که مهربانی و مهمان‌نوازی است در برابر هیچ متاع مادی تبادل نمی‌کند.

در باره شهر بلخ - که امروز بسیاری از مردم آن را مزار شریف می‌نامند - نوشته‌است: «امروز آن شهر نامدار تنها یک محل کوچک، می‌خواهم ساده بگویم، یک ده با حد اکثر دوهزار باشنده باقی مانده‌است. در کنار تعداد کمی از ازبیک‌ها و تاجک‌ها بیش‌تر یهودی‌ها در آن‌جا بودو باش دارند، یهودی‌هایی که امیر عبدالرحمان آن‌ها را از کابل به آن‌جا انتقال داده بود. آن‌ها در کنار زبان پارسی که زبان بازار و دفاتر است، به زبان عبری نیز صحبت می‌کنند.»

در مورد هرات می‌خوانیم:
«در افغانستان بسیار کم‌ساختمان و یا آثار تاریخی را می‌شد پیدا کرد که در وضعیت خوب قرار می‌داشت ... گفتنی‌ست که هرات امروز نمونه کوچکی از آن‌چه که این شهر در گذشته‌ها بود، است. درین شهر پیش از حمله مغل حدود یک‌ونیم میلیون انسان زنده‌گی می‌کرد. بنابر گزارش‌ها هرات باستان محلی با بازارهای بزرگ با ده هزار دکان، چندین هزار حمام و مکاتب فراوان بوده است.»

همین‌گونه قندهار، زابل، کابل، بامیان، سمنگان و ... حتا تا امروز با خانه‌های گلی، جاده‌ها و عمارت‌های جدیدی که بنیاد هندسی و مهندسی شهری ندارند، خالی از هر شکوهی به چشم می‌خورند. نویسنده در کشور خداداد افغانستان صحنه‌یی از جنگ سوم افغان و انگلیس را - که وزیر جنگ و سپهسالار جبهه صالح محمد، آن‌گاه که فقط زخم کوچکی بر انگشت دست دارد، همراه با یاور نظامی‌اش محمدگل مومند میدان جنگ را ترک می‌گوید - در برگ ۲۳۱ چنین به یاد می‌آورد: «ظاهراً نصف نیروهای افغانی، یعنی شش‌هزار سرباز کشته شده بودند. سربازان به اندازه‌یی ترس خورده بودند که هر لاشخوار را که در آسمان می‌دیدند با هواپیمای جنگی اشتباه می‌گرفتند.»

افسر سفرنامه‌نویس که همنشین و همخوان شاه امان‌الله هم بوده است، در پایان جنگ فقط از پیمان صلح انگلیس و افغانستان یاد می‌کند. این‌ها گوشه‌های کوچکی از سوگ‌نامه سرزمینی‌ست که به نگارش آمده است. سرزمینی که بلخ آن را مادر شهرها و کانون یکی از دیرینه‌ترین تمدن‌های بشری می‌دانند. سرزمینی که پس از قتل‌عام‌ها و ویران‌گری‌های چنگیز و بازمانده‌گانش در خواب و خاموشی فرو می‌رود، نه آبادی در آن سر بلند می‌کند و نه سری برای آبادی بنیادی. برای آزادی اما خون ایستاده‌گان و آزاده‌گان بی‌شماری به زمین می‌ریزد و در فرجام، جام شاهان و فرمان‌روایان لبریز باده مستی می‌شود که «به سلامتی» مردم سر می‌کشند. آنچه را که در سطرها و پشت سطرهای سفرنامه می‌توان یافت، تصویر پرتگاهی به نام کشور خداداد افغانستان است، سرزمینی که نه به بحر راه دارد و نه پیوندی با قطارهای آن‌سوی مرزهایش که شیپوری از جهان نو دارند.

در آخرین برگ سفرنامه، افسر سفرنامه‌نگار حکم قاطعی دارد که انگار «دور از کشور است که انسان متوجه نژاد و ملیت اصلی‌اش می‌شود.» و آرزو می‌کند که افغانستان با احساس ملی و افتخار نژادی الگویی برای اتریش گردد. برخلاف آن پنداشت است که مدتی پس از چاپ سفرنامه، آلمان و اتریش درفش فاشیسم را در میان شعله‌های آتش و دود، سالی چند برمی‌افرانند و برای خون، خون میلیون‌ها انسان را می‌ریزند ... هنوز صدای عشق و جستن انسان آن کودک مهاجر پیش از طوفان آن‌سوی سده‌ها «خداوندگار بلخ» رها از بند زمان و مکان در گوش جهان بلند است.

عزیز الله ایما



سفرنامه افسر اتریشی، ایمیل ریپچکا که بار نخست در سال ۱۹۲۷ در لایپزیک آلمان به چاپ می‌رسد، با برگردان پارسی رتبیل شامل آهنگ و سیدروح‌الله یاسر پس از هشتادوهفت سال بازم در آلمان به چاپ رسیده است.

کوشش مترجمان در ساده‌سازی بیان و گویش پارسی کابلی بی‌نتیجه نبوده است. نمی‌خواهم به چندوچون زبان و بیان کتاب پردازم، ولی گفتنی می‌دانم روشن‌سازی واژه‌گان و سخن دیگرسازی آن، تا آن‌جا که سیمای یک خاین ملی را در پس پرده دگرگونی‌های هویت‌زدا آشکار کرده است، ستودنی‌ست. هرچند دامنه این نام‌زدایی‌های تاریخی بسیار گسترده و بیش از آن است که در پی‌نوشت‌های سفرنامه آمده است.

همان‌سان که هیچ آگاه پشتون، طالبانی را که جهل، بی‌سوادی، تاریکی، جنگ و کشتار را در جنوب و شرق کشور بیش از هر جای دیگر خانه به خانه برده‌اند، نخواهد بخشید، کسانی چون محمدگل را که به دستور دیگران شناسنامه سرزمینی را مسخ کرده‌اند نیز هیچ شهروندی از سرزمینم بخشیدنی نمی‌داند.

سفرنامه در کشور خداداد افغانستان که از سوی یک افسر اسیر جنگ جهانی اول نوشته‌شده‌است، خالی از ماجراجویی‌های شخصی و بیان رویدادهای واقعی لحظه‌هایی از تاریخ نیست.

نویسنده که نمی‌تواند به کلی فارغ از نوعی خودبینی غرب‌محور باشد، گاه از چشم عام به پدیده‌ها می‌نگرد و گاه هم در بند کلیشه‌ها می‌اندیشد. جالب این‌که نگاه امروز یک اتریشی و آلمانی نسبت به روس‌ها بسیار دگرگون از نگاه یک سده پیش سفرنامه‌نویس نمی‌نماید. سفرنامه در کشور خداداد افغانستان گواه رخداد‌های پایان کار سلطنت امیرحبیب‌الله و آغاز به قدرت رسیدن شاه امان‌الله است.

در برگ ۸۸ کتاب می‌خوانیم:

«امیر به دلایلی که بیش‌تر قابل هم است، به فکر افزایش قدرت فردی و خانواده‌گی‌اش بود. قدرت در همه‌جا و به‌خصوص در شرق وابسته به جایداد و پول می‌باشد. بناءً کاملاً منطقی می‌نمود که امیر تلاش داشت تا انگلیس‌ها را مجبور به پرداخت پول‌های بیش‌تر سازد.»

آن‌گونه که امیر حبیب‌الله - در سرزمینی که فقر از در و دیوارش نمایان بود و تصویرهای مندرج سفرنامه نشان می‌دهد که بازاریان، فروشنده‌گان دوره‌گرد و مردمان کوی و برزن کابل یا پابره‌اند ویا با ساده‌ترین پاپوش‌های دست‌ساخت رفت‌وآمد می‌کنند، سرزمینی که آبادی‌هایش چیزی بیش از کاخ‌ها، حرمسراها و تفریحگاه‌های امیران و فرمانروایان نیست - سیاست می‌کرد، امروز پس از یک سده در ادامه همان سیاست، ایستایی تاریخ حاکمان افغانستان را به‌خوبی می‌توان دید. پس از سرازیر شدن یکمیلاردها دالر - سنگین‌ترین پول پله ترازوی تاریخ فرمانروایان افغانستان، هنوز کابل از کثیف‌ترین شهرهای جهان است و سیاست همان. هنوز کارمندان گمرک‌ها آن‌گونه که در برگ ۱۱۴ «در کشور خداداد افغانستان» آمده است، به رهنزان و رهگیران می‌مانند.

ریپچکا چشمی بر رویدادهای دوران پادشاهی حبیب‌الله و شاه امان‌الله دارد، نه چون چشم بیدار و چراغ روشن کاتبی در گوشه‌های تاریک شبستان قدرت پدر حبیب‌الله. او از یک‌سو از ضیافت‌های شاهانه، کینه‌ها و کمین‌های درون دربار می‌گوید - تا آن‌جا که قصه قتل امیرحبیب‌الله را به زیبایی زن برادر سپهسالار نادر و مخالفت سیاسی نایب‌السلطنه نصرالله بی‌پیوند نمی‌داند - از سوی دیگر از مردم می‌گوید، مردمی که سخت مهربان، مهمان‌نواز، صبور، بامهارت، دست‌ودلباز، کاکه و ازخودگذر هستند. او به گونه‌هایی از بیداد فقر یاد می‌کند و از زیبایی‌های خیره‌کننده

دو شعر از مریم میرا

دقت‌ران فستة سکوت و شب!
آیا در این قلمرو تاریک
می‌شود آن‌سوی پنیره
به ماهی کاذب دل بست؟
یا در پرتو نور تک‌ستاره نومید
شعر خواند؟
واژه‌ها باور صدایم را باور نمی‌کنند
انگار مرده‌ام
انگار مرده‌ام و جام‌های سنگی سکوت
از صدای من تهی‌ست
باور کن مرا هم‌صدای لال
من هنوز زنده‌ام
اگرچه سال‌هاست تنه‌روزگار
انگار می‌کند صدایم را
هرپند قرن‌هاست با صدای زمزمه‌ام پیچ می‌زنم‌های!
باورم کنید
من تصور کاذب یک سایه نیستم.



بیگانه‌ام

با سایه‌یی که اقتاده روی سایه‌ام
و زنده‌گی... انکار بی‌تاب‌تر از من، زنی نمی‌شنافت
که تنهایی‌اش را تکان بدهد
تنهایی‌یی که تیر می‌نورد
دل خون است از من
از زخم‌هایی که بر گونه‌اش کاشته‌ام
نمی‌شود سنگینی این سوک‌ها را
از لب‌های دیگری عبور بدهم
منی که سال‌ها با صدای فووم گریسته‌ام...
بی‌هیچ پرده‌یی بر پلک‌هایم.

نتیجه سفر اشرف غنی به پاکستان

شکریه بارکزی از یک حمله مرگبار انتحاری جان به در برد

شکریه بارکزی عضو مجلس نمایندگان روز یکشنبه از یک حمله انتحاری جان سالم بدر برد و تنها کمی زخمی شده است.

این رویداد زمانی اتفاق افتاد که بمبگذار انتحاری موثر مملو از مواد انفجاری خود را در جاده دارالامان منفجر کرد.

صدیق صدیقی، سخنگوی وزارت امور داخله گفت: در جریان این حمله توسط عامل انتحاری، سه تن از جمله یک دختر جوان جان باخته و ۲۳ غیرنظامی زخم برداشته اند.

انفجار به حدی قوی بود که از دورها شنیده شده است. موثر حامل خانم بارکزی در این رویداد به کلی تخریب شده است.

شکریه بارکزی اکنون در بیمارستان امنیت ملی افغانستان بستری است. پزشکان این بیمارستان،

وضعیت صحتی بانو بارکزی را قناعت بخش خوانده اند. گزارش شده که در این رویداد تعدادی از دانشجویان نیز زخمی شده اند و شیشه های ساختمان های نزدیک محل رویداد شکسته است.

بارکزی ۴۲ ساله در کنار عضویت در مجلس، مدافع حقوق زنان و آزادی رسانه ای نیز است.

اشرف غنی رییس جمهوری حمله انتحاری به جان شکریه بارکزی را محکوم کرده و آن را خلاف «ارزش های اسلامی و افغانی» عنوان کرده است.

در خبرنامه دفتر ریاست جمهوری آمده که آقای غنی به مسوولان امنیتی دستور داده تا چگونگی این رویداد را بررسی کنند. دکتر عبدالله نیز در اعلامیه ای حمله به جان بارکزی را تقبیح کرد.

این حمله یک روز پس از آن صورت گرفت که مولانا فضل الرحمان، روحانی مذهبی پاکستان و رهبر حزب

جمعیت علمای اسلام در پاکستان جنگ طالبان در افغانستان را مشروع دانست.

این اظهارات ملای پاکستانی، با واکنش تند نمایندگان شورای ملی افغانستان و مردم کشور مواجه شده است. مولانا فضل الرحمان بارها طالبان را به جنگ در افغانستان تشویق کرده و از جنگ در پاکستان برحذر داشته است.

این درحالی است که اشرف غنی رییس جمهوری کشور در سفرش به پاکستان با این حامی بزرگ طالبان دیدار و گفت و گو کرده است. دیدار آقای غنی با فضل الرحمان با انتقادهایی مواجه شده است.

تحلیلگران سیاسی، سفر دکتر اشرف غنی به پاکستان را بی نتیجه خوانده و گفته اند، پاکستان از فرستادن تروریست و انتحاری به افغانستان دست بر نمی دارد.

ترکیب کابینه با تغییرات

و پس از آن کابینه به شورای ملی معرفی خواهد شد. رییس اجرایی دولت وحدت ملی اعلام کرد: نیروهای افغان توانمندی تأمین امنیت را داشته و دولت جدید از تمام این نیروها حمایت جدی می کند.

عبدالله در ادامه سخنان خود از تمام کشورهای همسایه افغانستان خواست تا با دولت او و اشرف غنی همکاری کنند.

وی افزود: دولت افغانستان تمایل دارد با تمام کشورهای همسایه با حفظ منافع ملی روابط خود را استحکام بخشیده و مراودات تجاری را نیز افزایش دهد.

این سخنان عبدالله در حالی است که رییس جمهور کشور در نخستین روزهای کاری خود اعلام کرد: کابینه دولت وحدت ملی ظرف ۴۵ روز تشکیل می شود که این مهلت تمام شده است.

آگاهان امور سیاسی معتقدند: عدم معرفی کابینه به شورای ملی سبب وجود و افزایش فساد اداری در ادارات دولتی شده و از سوی دیگر ناامنی ها را در کشور افزایش داده است.

بریده‌یی از سخنان احمدولی...

خود را به جهان ارایه بدهد.

در وزارت خارجه کشور، هیچ نسخه از این اصول وجود ندارد و اگر هم چند کاغذ پاره‌یی است ناقص، ناتکمیل و بدون پشتوانه ملی. در واقع سیاست خارجی افغانستان در مدت سیزده سال در رفتار و گفتار پر از تناقضات رییس جمهوری منعکس می شد و بر مبنای یک تصادف کار یک شخص یا سیاست مدار بوده است نه بر اساس تحلیل و تحقیق، درک درست، منافع ملی و نیازمندی های درونی.

سیاست خارجی افغانستان باید متناسب به شرایط خود ما، هدفمندانه و با روحیه متوازن آماده گردد که این بالنوبه به کارگزاران متعادل، تفکرات متعادل و رفتار متعادل نیازمند می باشد.

تدوین دکترین، سیاست خارجی متعادل با شرایطی که در داخل داریم و بازیگرانی که در محور افغانستان صف کشیده اند، کار بس مشکل است که قطعاً باید از مشورت ها و نظریات متفکرین و نخبه گان سیاسی در داخل و خارج نظام استفاده برد.

در همین هفته فرمان توزیع...

ولسی جرگه به تعویق بیفتد تا در یک فضای مطمئن ما بتوانیم اصلاحات لازم انتخاباتی را در پروسه انتخابات به وجود آوریم. توزیع تذکره های الکترونیکی

نهادهای انتخاباتی افغانستان می گویند تا زمانی که تذکره الکترونیکی توزیع نشود، برگزاری انتخابات شفاف در این کشور محال است. وزارت داخله و مخابرات افغانستان ابراز آمادگی کرده و گفته اند که تمام امور مربوط به توزیع این تذکره ها تکمیل شده است.

مشاور حقوقی رییس جمهور افغانستان وعده داد که توزیع تذکره های الکترونیکی به زودی آغاز خواهد شد: «آماده گی صد درصد وجود دارد برای شروع توزیع تذکره های الکترونیکی. در همین هفته، فرمان یا حکم قانون ثبت احوال جدید هم صادر می شود؛ و تصمیم هم این است که اداره ثبت احوال مستقل شود و وزارت داخله کاری به اداره ثبت احوال و تذکره الکترونیکی نداشته باشد.»

بر اساس اظهارات این مقام حکومت، توزیع تذکره های الکترونیکی حداقل ۱۸ ماه را در بر می گیرد؛ به این دلیل حکومت نمی خواهد برگزاری انتخابات پارلمانی را به تعویق بیندازد.

حالا افغانستان با دو آزمون دشوار روبرو است: اگر نهادهای انتخاباتی منتظر توزیع تذکره های الکترونیکی بنشیند، این روند حدود دو سال دوام خواهد کرد؛ در حالی که مقام ها حکومتی با تعویق دو ساله انتخابات پارلمانی موافق نیستند.

اما اگر انتخابات پارلمانی با کارت های کنونی برگزار شود، تضمینی برای برگزاری انتخابات شفاف و جود ندارد. ترس اصلی این است که برگزاری انتخابات مملو از تقلب، یک بار دیگر افغانستان را به بحران بکشاند و دردسر تازه‌یی برای این کشور خلق کند.

«کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان» پیش از انتخابات ریاست جمهوری و شوراهای ولایتی، حدود ۱۰۰ میلیون دالر را برای توزیع کارت های انتخاباتی مصرف کرد؛ ولی پیشنهاد نهادهای مدنی برای توزیع تذکره الکترونیکی به جایی نرسید.

جدید در توزیع شناسنامه های برقی پس از نشر مطلبی در روزنامه ماندگار که در آن از وضعیت رقت بار اداره ثبت احوال نفوس گزارش داده شده بود، صورت می گیرد. در پی نشر این مقاله، اشرف غنی رییس جمهوری در تماسی با روزنامه ماندگار گفت که دستور داده است تا یک هفته دیگر توزیع شناسنامه های برقی آغاز شود.

بر اساس توافق رییس جمهور غنی و دکتر عبدالله، قرار است کمیسویی برای اصلاحات در امور انتخاباتی تشکیل شود. این کمیسیون هنوز تشکیل نشده است.

سیاست های کودکانه در قبال پاکستان

احمد عمران

در پایان دو روز سفر و مهمانی و امضای چند قرارداد تجارتهی میان افغانستان و پاکستان، مقام های دو کشور اعلام کردند که فصل تازه‌یی از مناسبات را آغاز می کنند. نواز شریف نخست وزیر پاکستان در دیدار با اشرف غنی رییس جمهوری افغانستان گفت که در فراهم کردن زمینه مذاکرات با مخالفان مسلح، دولت افغانستان را کمک می کند. آقای نواز هم چنین تأکید کرد که از هر نوع گفت و گو به رهبری افغانستان حمایت می کند.

این بار نخست نیست که مقام های پاکستانی از گفت و گوهای صلح به رهبری دولت افغانستان حمایت می کنند و حاضر می شوند که در این عرصه این کشور را کمک کنند. در بیست و یک باری که آقای کرزی به اسلام آباد سفر کرد، با همین سخنان از او استقبال شد. در بیست و یک سفری که آقای کرزی به پاکستان داشت، مقام های پاکستانی از آماده گی های خود برای تأمین صلح در افغانستان اطمینان دادند. در بیست و یک سفر آقای کرزی به پاکستان، مقام های پاکستانی گفتند که افغانستان با ثبات و امن با منافع ملی آن کشور در تضاد قرار ندارد. اما حالا چه گونه می توان به وعده های فعلی دولت مردان پاکستان اطمینان کرد؟ چه ضمانتی وجود دارد که این بار پاکستان با اشرف غنی همان برخوردی را نکند که با کرزی رییس جمهوری پیشین در سیزده سال گذشته کرد؟

در مناسبات با پاکستان زمانی می توان از تغییر صحبت کرد که دو مولفه اصلی را در نظر داشت.

۱) سیاست های افغانستان: در این جای شک نیست که در سیزده سال پسین، حامد کرزی رییس جمهوری پیشین و همکارانش نتوانستند سیاست مشخص و مدونی را در رابطه با پاکستان به اجرا بگذارند. ضعف سیاست های افغانستان فرصت مناسبی بود برای پاکستانی ها که هم چنان به دخالت های خود در امور افغانستان ادامه دهند. ضعف سیاست های افغانستان، عمده ترین عامل در مناسبات با پاکستان باید شمرده شود. اگر دولت مردان افغانستان می توانستند که نوع روابط خود را از مراحل احساسی و عاطفی در مورد پاکستان عبور دهند و به منافع ملی خود بیندیشند، بدون شک دامنه دخالت های پاکستان این قدر گسترده گی پیدا نمی کرد.

آقای کرزی در سیزده سال زمامداری خود اشتباهات جبران ناپذیری در مساله پاکستان انجام داد. او هرگز به مسایل کلیدی در رابطه با مناسبات افغانستان و پاکستان توجه نشان نداد و همواره تلاش می کرد که با مهمانی دادن و گفتن حرف های شعاری و احساسی پاکستانی ها را راضی سازد که در زمینه تأمین صلح با دولت افغانستان همکاری کنند. وقتی هم که تمام تیرهای آقای کرزی به سنگ می خورد، زبان شکوه و شکایت را باز می کرد و از سیاست های پاکستان در



قبال افغانستان بد می گفت.

آقای کرزی هرگز سیاست مدون و واقع گرایانه در قبال پاکستان و بسیاری از کشورهای جهان نداشت. او حتا نتوانست مناسبات افغانستان را با جامعه جهانی به درستی تشخیص و پی گیری کند. آقای کرزی در سیاست های منطقه ای و جهانی خود و همین طور در سیاست های داخلی اش به سان یک کودک رفتار می کرد. گاهی قهر، گاهی آشتی؛ گاهی انتقاد و گاهی هم سپاس گزاری. همان قهر و آشتی هایی که کودکان با هم می کنند.

آقای کرزی یک سیاست مدار کودک بود و گاهی نیز به این کودکی سیاسی خود فخر می کرد. آقای کرزی خلاف همه تیوری های سیاسی، سیاست را عرصه تقلب و فریب کاری می دانست و از این که سیاست نمی کرد، احساس غرور می نمود. اما آقای کرزی نمی دانست که سیاست، امری شریف و انسانی است. سیاست تعدیل خشونت به ساختار است. به همین دلیل از آقای کرزی در سیاست هایش همواره می شد تناقض ورزی را شاهد آورد. افغانستان در طول سیزده سال، قربانی این گونه سیاست های کودکانه شد.

۲) سیاست های پاکستان: چشم داشت از تغییر فوری در سیاست های پاکستان در رابطه با افغانستان، چشم داشتی غیر واقعی و بیهوده است. سیاست های پاکستان در رابطه با منطقه و افغانستان در طول دهه ها شکل گرفته و برخاسته از منافع ملی آن کشور است. پاکستان در طول چهار دهه با افغانستان درگیری هایی داشته و این کشور افغانستان را عمق استراتژیک خود دانسته است. پاکستان در افغانستان سرمایه گذاری کرده و نمی تواند به آسانی از این سرمایه گذاری بگذرد. پاکستان حق دارد مبتنی بر منافع ملی خود در منطقه فعال باشد. نمی توان سیاست مداران پاکستانی

را انتقاد کرد که چرا به دنبال منافع ملی خود در منطقه می گردند. شناخت سیاست های پاکستان از اولویت های دولت افغانستان بود که در سیزده سال گذشته باید انجام می شد. سیاست مداران افغانستان حتا شناخت سطحی از سیاست ها، وضعیت ژئوپولیتیک و آرایش دیدگاه ها در پاکستان ندارند. سیاست مداران افغانستان نمی دانند که چرا با همه افشاگری های آن ها در مورد حمایت های پاکستان از مخالفان مسلح دولت افغانستان، هیچ واکنش دقیقی از سوی جامعه جهانی و نهادهای بین المللی نیافتند. سیاست مداران افغانستان نمی دانند که چه گونه می توانند دولت پاکستان را وادار سازند که در عرصه امنیت و تأمین صلح به همکاری صادقانه تن در دهد. وقتی چنین اتفاقی نیفتاده، نمی توان انتظار داشت که پاکستان منافع خود را در پای یک کشور دیگر قربانی کند.

نتیجه

برای عبور از وضعیت فعلی، نیاز است که افغانستان به گونه واقع گرایانه به مسایل پاکستان توجه نشان دهد و سیاستی را اتخاذ کند که در آن منافع ملی افغانستان در اولویت قرار داشته باشد. دیپلماسی فعال و مبتنی بر ارزش های دموکراتیک و جهانی می تواند افغانستان را در رابطه با کشورهای منطقه در وضعیت مطلوب قرار دهد. از جانب دیگر، دولت مردان کشور باید جسارت طرح مسایل اختلافی میان دو کشور را داشته باشند و این اختلافات را در پرتو سیاست های واقع گرایانه و حقوقی حل کنند. مسایل حقوقی را نمی توان به شیوه های سیاسی حل کرد، هرگونه تعبیر سیاسی از مشکلات و اختلافات حقوقی موجود میان دو کشور پاکستان و افغانستان، می تواند به طولانی شدن جنجال ها و اختلافات کمک کند و نه به حل آنها.

از جهان سوم به جهان اول

داستان سنگاپور

از سال ۱۹۶۵ الی ۲۰۰۰ میلادی



یکی از داستان‌های مؤفقت نظام سرمایه‌داری رهبری شده مدل اجتماعی-اقتصادی که سنگاپور را از جهان سوم به جهان اول ارتقا بخشید

بخش ششم

خاطرات لی کووان یو

اقتباس و ترتیب: محمود کرزی

به تدریج بدین نتیجه رسیدم که کوه بینگ سینگ، معاون مدیرعامل مؤسسات بانکی و مالی اداره پولی سنگاپور (MAS)، فاقد توانایی بود که برای هم‌قدمی با تحولات عظیم صنعت بانکداری که جهان را فراگرفته بود، ضروری پنداشته می‌شد. او بیش از حد به فکر حمایت از سرمایه‌گذاران داخلی بود. من در این زمینه با جرالد کوریگن، رییس پیشین فیدرال ریزرف بانک نیویارک، و براین کووین، مأمور ارشد بانک انگلند، مشوره کردم. آن‌ها هر کدام به‌طور جداگانه به من مشوره و اطمینان دادند که سنگاپور می‌توانست شیوه نظارت بانکی خود را طوری تغییر دهد که از یک‌طرف صلابت و قوت بانکداری آن پابرجا باقی بماند، و از جانب دیگر، خطر ناکامی درونی در سیستم بانکی افزایش نیابد. آن‌ها به من گفتند که مساعی مدیریتی مراکز عمده مالی جهان، نظیر نیویارک و لندن، بر این امر متمرکز نیست که سرمایه‌گذاران را بطور فردی مورد حمایت قرار دهند، بلکه هدف آن‌ها این است که سلامت و ثبات خود سیستم را تأمین نمایند. کوریگن و کووینما را مجاب بدین ساختند که مؤسساتی که بهتر اداره می‌شوند باید در زمینه اتخاذ ریسک آزادی بیشتر داده شوند.

از آنجایی که نمی‌خواستم خودم کار تغییر و تجدید ساختار اداره پولی سنگاپور را عهده دار شوم، در سال ۱۹۹۷، با اجازه صدراعظم، آقای لونگ را به این کار گماشتم. وی با بانکداران و مدیران صندوق‌های سرمایه‌گذاری ما ملاقات نموده و کاربرد و شیوه عمل سکتور مالی ما را آموخت. زمانی که در اول جنوری ۱۹۹۸ صدراعظم لونگ را به حیث رییس اداره پولی سنگاپور گماشتم، وی برای برداشتن قدم‌های ضروری بعدی آمادگی و تجربه کاری کافی حاصل کرده بود. لونگ به کمک عده‌یی از مأمورین کلیدی اداره پولی سنگاپور، این اداره را تجدید ساختار کرده و آن را آماده ساخت تا طرزکار و شیوه تازه اداره و انکشاف سکتور مالی را در عمل تطبیق نماید.

لونگ و تیم همراهش شیوه نظارتی اداره پولی سنگاپور را تغییر دادند. آن‌ها این کار را با استفاده از نرمش و ملایمت انجام داده و در طرح و تطبیق اقدامات خود نظریات مربوطین صنعت بانکی را در نظر گرفتند. لونگ و همراهانش با توجه به مشوره‌های مشاورین مدیریتی و کمیته‌های صنعت بانکی، پالیسی‌های همه بخش‌های بانکداری سنگاپور را بازنگری کرده و آنها را با شرایط جدید عیار ساختند. آنها قدم‌های مهمی را در جهت تشویق صنعت مدیریت دارایی‌ها برداشتند و مقررات مربوط به بین‌المللی‌سازی دالر سنگاپوری را به منظور توسعه بازارهای سرمایه تعدیل کردند. اداره پولی سنگاپور نرخ کمیشن بازار سهام را آزاد ساخته و SES (Stock Exchange of Singapore) و SIMEX (Singapore International Monetary Exchange) را تشویق کرد باهم مدغم شوند.

اداره پولی سنگاپور به بانک‌های خارجی اجازه داد تا شعبات و ماشین‌های نقدینه بیشتری را در سنگاپور باز نمایند؛ از این طریق، سکتور بانکی داخلی آزاد ساخته شد. محدودیت‌هایی که بالای سهم بانک‌های خارجی در بانک‌های داخلی وضع شده بود از بین برداشته شدند و از بانک‌ها تقاضا به عمل آمد تا بر اساس ترتیبات مشابهی در بانک‌های آمریکایی، در داخل هیأت‌های مدیره خود کمیته‌های نام‌گذاری مدیریت (nominating committees) را بوجود آورند. این کمیته‌ها وظیفه دارند که سوابق کسانی را که برای عضویت در هیأت مدیره و به پست‌های مدیریتی نامزد شده اند مورد مطالعه و ارزیابی قرار داده و سفارشات خود را در زمینه به سهام‌داران ارایه کنند. هدف از ایجاد کمیته‌های نام‌گذاری این است که اشخاص صادق، لایق و باکفایتی به پست‌های مدیریتی گماشته شوند که منافع همه سهام‌داران، نه محض منافع صاحبان اکثریت سهام، را برآورده سازند.

بانک‌ها معتقد بودند که شیوه نظارت ملایم و توأم با نرمش به آنها اجازه خواهد داد تا انواع جدید اسناد بهادار را بازار معرفی کنند. احتمالاً نظر آنها صائب بود و بهتر می‌بود اگر ما این تغییرات را قبلاً انجام داده بودیم. ولی قبل از این‌که اداره پولی سنگاپور

نیافتیم، موجودیت ما به خطر افتاده و نابود خواهیم شد. در عین حال، مدیران امور اقتصادی و صاحبان کارخانه‌ها را بدین متقاعد ساختیم که آنها باید همکاری رضاکارانه کارگران را به خود جلب نمایند؛ در غیر آن، افزایش مؤلدیت (که کلید انکشاف اقتصادی را تشکیل می‌دهد) نمی‌توانست مقدور شود. قوانین سخت‌گیرانه و صحبت تهدیدآمیز، به تنهایی نمی‌توانستند هدف افزایش مؤلدیت را برآورده سازند. در حقیقت، مجموع سیاست‌های ما بود که کارگران و اتحادیه‌های کارگری را مجاب نمود تا به حمایت از هدف اصلی ما بپردازند. آن‌ها معتقد شده بودند که هدف اصلی ما در امر سیاست‌گذاری اقتصادی، در کل، این بود تا اعتماد بین‌المللی به سنگاپور را تقویت بخشیم، سرمایه‌گذاری خارجی را جلب نماییم و برای مردم خود اشتغال و محل کار ایجاد کنیم. معدالک، در نهایت امر، آنچه سبب شد روابط صنعتی سنگاپور از حالت ضدیت و تخاصم به حالت همکاری و هم‌پاری استحاله نماید، همانا اعتمادی بود که آن‌ها در طول سال‌های متمادی همکاری، به من پیدا کرده بودند.

در سال ۱۹۶۹، یکی از آشنایان سابقه من، دیسوان نایر به اساس تشویق من، از کوالالمپور به سنگاپور برگشت و رهبری NTUC یعنی گانگرس ملی اتحادیه‌های کارگری سنگاپور (Singapore National Trades Union Congress) را به عهده گرفت. وی از سال ۱۹۶۴ بدین سو، سالی که او به پارلمان مالیزیا انتخاب شد، در آنجا به‌سر می‌برد. علتی که من او را به سنگاپور آوردم این بود که می‌خواستم وی آرامش و صلح روابط صنعتی ما را حفظ کرده و کارگران را تشویق نماید تا مؤلدیت و مؤثریت کاری خود را افزایش دهند. موجودیت دیوان نایر به حیث سکرتر جنرال NTUC برای من کمک بزرگی بود. وی راهکارهای اقتصادی مرا نظم و هماهنگی بخشیده و اتحادیه‌های کارگری را به طرز برخورد مثبت و سازنده تشویق می‌کرد. با سابقه رهبری NTUC بین سال‌های ۱۹۷۰ الی ۱۹۸۱، زمانی که پارلمان او را به حیث رییس جمهور انتخاب کرد، وی توانست رهبران کارگری را قانع سازد تا خواسته‌های خود را با رقابت بازارهای جهانی عیار ساخته و از طرح توقعاتی که قدرت رقابتی سنگاپور را در سطح بین‌المللی تضعیف می‌کرد، اجتناب ورزند. هرباری که وینسمیوس از سنگاپور باز دید می‌کرد، وی و مامور ارتباطی او، نیم تیگ دو، به دیوان در مورد وضع اقتصاد و استخدام معلومات میدادند. دیوان اصول اساسی اقتصاد را به رهبران اتحادیه‌های کارگری آموخت و به مؤفقت شورای سه جانبه مزدها (NWC) کمک نمود.

بعداً: سیخ موی کوک یکی از رهبران اتحادیه کارگری و عضو پارلمان، مربوط به حزب عمل مردم یا PAP (Peoples Action Party) از زمانی که با اتحادیه‌های کارگری همکاری داشتم با من دوست بود. او در مورد آزادی و دست‌بازی که ما به کارفرمایان در زمینه استخدام و عزل کارگران داده بودیم اعتراضاتی داشت، ولی در عین حال می‌پذیرفت که اتحادیه‌ها، به منظور ایجاد یک فضای مناسب سرمایه‌گذاری خارجی، نیاز بدان دارند تا موقف ملایم‌تر و غیردشمنانه‌تری را در زمینه باکار فرمایان اتخاذ نمایند. من تضمین‌هایی را شامل قانون کار و کارگر ساختم تا از سوء استفاده از این قانون در برابر کارگران جلوگیری به عمل آید. تغییراتی که در قانون استخدام و روابط صنعتی وارد نمودیم نتایج مثبت ملموسی را ببار آوردند. در ظرف یکسال در سال ۱۹۶۹، ۵۲ فابریکه جدید اعمار و ۱۷۰۰۰ محل کار جدید خلق شد. سرمایه‌گذاری‌های تازه در سال ۱۹۷۰، ایجاد ۲۰۰۰۰ محل کار جدید را در پی داشت. عاید افزایش یافت.

در سال ۱۹۷۲، ما شورای ملی مزدها (National Wages Council) را با شرکت نمایندگان اتحادیه‌ها، دولت، و کارفرمایان به وجود آوردیم. این شورا هر سال با استفاده از ارقام و معلوماتی که توسط دولت جمع‌آوری می‌شد در نتیجه اجماع اعضا، سطح مزد و شرایط کاری کارگران را برای سال آینده چنان تعیین می‌کرد که از یک جانب برای کارفرمایان قابل قبول و قابل پرداخت باشد، و از جانب دیگر، رشد مزید اقتصادی را را در کشور تشویق و تضمین نماید. توصیه‌های این شورا حیثیت رهنمودهای عمومی را داشتند و اجازه می‌دادند که مذاکرات میان کارگران و کارفرمایان در سکتورهای مختلف اقتصادی، با در نظر داشت شرایط هر سکتور، با نتایج متفاوت صورت گیرد. از همان سال‌های نخستین، طرفین شامل در شورا این اصل را پذیرفتند که افزایشات مزد نباید بر افزایشات مؤلدیت سبقت اختیار نماید. یا به عبارت دیگر افزایش مزدکارگران نباید اضافه‌تر از افزایش منفعت تولید باشد.

روحیه بحران‌زده‌گی عمیقی که در سنگاپور (در سال‌های نخستین استقلال) حکم‌فرما بود مرا قادر بدان ساخت تا رفتار اتحادیه‌های کارگری را در مدت چند سال محدود تغییر دهم. خطر سقوط اقتصادی ناشی از خروج قوای برتانبه، رفتار و روحیه مردم را تحت تأثیر قرار داده بود. مردم به این واقعیت پی برده بودند که اگر ما به اعتصابات و خشونت‌ها پایان نبخشیده و بسوی ثبات و رشد اقتصادی به حرکت

توانایی خود را در امر اداره بحران در بحران‌های مالی ۱۹۸۷ و ۱۹۹۷-۱۹۹۸ ثابت کرده باشد، من هنوز این اعتماد را کسب نکرده بودم که اجازه دهم آنچه ممنوع نیست توسط سهم‌گیرندگان بازار مجاز پنداشته شود. طرز رفتار محتاطانه‌یی که ما در پیش گرفته بودیم ما را کمک کرد تا بحران مالی پولی سال‌های ۱۹۹۷-۱۹۹۸ را به آسانی و بدون اشکال قابل ملاحظه‌یی سپری نماییم. در زمان وقوع این بحران، بانک‌های ما از سلامت و صلابت مالی کافی برخوردار بوده و بیش از حد توانایی خود مقروض نبودند. این بحران منجر به سقوط بازار سهام ما نشد. از سال ۱۹۶۸، یعنی از زمانی که ما بازار دالر آسیایی خود را به‌راه انداختیم تا کنون سی سال را در بر گرفت تا ما توانستیم اعتبار خود را به حیث یک مرکز مالی بین‌المللی قابل اعتبار با مدیریت سالم استحکام بخشیده و ثابت سازیم.

پس از ماه جولای سال ۱۹۹۷، یعنی زمانی که بحران مالی در نتیجه سقوط ارزش بات (پول تایلند) آسیای شرقی را فرا گرفت، مصیبت‌های عظیمی بر بازارهای سهام، پول، و اقتصادهای منطقه نازل شد. ولی علی‌الرغم این مصیبت در منطقه، هیچ بانکی در سنگاپور دست‌خوش بحران و سقوط نشد. در نتیجه این بحران، سرمایه‌گذاران جهانی در تلاش افتادند تا پول‌های خود را از بازارهای در حال ظهور، که سنگاپور جزء آن‌ها پنداشته می‌شد، خارج سازند. در حالات بحرانی، زمانی که مدیران صندوق‌های سرمایه‌گذاری از دام‌های پنهانی هراس دارند، حفظ معلومات و در تازیکی نگهداشتن مشتریان پاسخی عاقلانه‌یی بوده نمی‌تواند. بدین لحاظ، ما تصمیم گرفتیم تا حد ممکن معلومات هرچه بیشتر را در اختیار مشتریان خود قرار دهیم. برای این‌که سرمایه‌گذاران خود را قادر ساخته باشیم تا در مورد ارزش دارایی‌های ما را به‌درستی مورد قضاوت قرار دهند، ما بانک‌های خود را تشویق کردیم تا از نگهداری ذخایر پنهانی و از عدم ارایه معلومات درباره قرضه‌های در خطر افتاده و بیکاره خود اجتناب ورزیده و معلومات صحیح را در مورد صحت مالی خود در اختیار مشتریان بگذارند. با پیروی از این اصل، بانک‌های ما معلومات لازم درباره وضع قرضه‌یی منطقه‌یی خود را در اختیار عامه قرار دادند. آنها شرایط عمومی بیشتری را بر قرضه‌های منطقه‌یی وضع کردند، تا باشد که با پیش‌گیری‌های لازم، جلو واقعه قبل از وقوع گرفته شود. در نتیجه اقدامات مؤثری که اداره پولی ما در پیش گرفته بود، سنگاپور نه تنها قربانی این بحران نشد، بلکه توانست در پایان بحران، قوی‌تر و مؤفقت‌تر از قبل باشد.

۴) جلب همکاری اتحادیه‌های کارگری (صفحه ۱۰۸ و

Mandegar

توصیه حامد کرزی به رهبران سیاسی:

در پی اپوزیسیون ساختن نباشید!



حامد کرزی رییس جمهور پیشین افغانستان گزارش‌ها مبنی بر این‌که وی در تلاش ایجاد یک اپوزیسیون در مقابل حکومت جدید افغانستان است را به شدت رد کرد. آقای کرزی در یک مصاحبه با رادیو آزادی گفته است که وی کاملاً مخالف ایجاد اپوزیسیون مقابل حکومت جدید می‌باشد؛ زیرا افغانستان به اپوزیسیون نه بلکه به همکاری افغان‌ها نیاز دارد. وی تصریح نموده است: «نخیر چنین گپی نیست، من نه تنها اینکه اپوزیسیون را تشکیل نمی‌دهم؛ بلکه مخالف چنین حرکات و اعمال هم می‌باشم. افغانستان به اپوزیسیون نیاز ندارد؛ افغانستان به همکاری و تلاش‌های مشترک افغان‌ها نیاز دارد، تا افغان‌ها در همکاری با هم و با یک صدا افغانستان را به منزل مقصود که همانا صلح و آبادی است برسانند.» رییس جمهور پیشین افغانستان افزوده است: «پس من نه

پاکستان له زرو هنجرو کار اخلي



تمه وه چې پاکستان ته د ولسمشر محمد اشرف غني له سفره وروسته به په هېواد کې د برېدونو لړۍ پای لور ته تقرب وکړي؛ خو د کارپوهانو په خبره چې دغه سفر شته توقعات نه دي پوره کړي. د ولسمشر غني له سفر وروسته په ولسي جرگه کې د کابل د خلکو د استازي شکرېه بارکزی په موټر برید وشو، چې د نوموړي په گډون پکې لږ تر لږه شلو تنو ته مرگ ژوبله واوښته. یاد برید د کابل ولایت د حبیبی لېسې ته مخامخ د دارالمان په سرک هغه وخت تر سره شو چې اغلی بارکزی ولسي جرگې ته په لاره وه. چارواکي وايي، بریدکونکي چې په ځان پورې چاودیدونکي توکي تړلي وو بارکزی یې په نښه کړي وه.

د ولسي جرگې غړي اغلی شکرېه هاشمي په شکرېه بارکزی شوی برید وغانده او زیاته یې کړه چې افغان حکومت باید د داسې کړنو لپاره جدي اقدامات په کار واچوي.

اغلی هاشمي ماندگار ته وویل چې حکومت او امنتي ځواکونه دې په دې اړه ولسي جرگې ته وضات ور کړي؛ خو په هېواد کې د نورو بد امنیو مخه ونیول شي.

نوموړې ماندگار ته په خبرو کې وویل: (په دې وروستیو کې په پلازمېنه کابل او یو شمېر نورو ولایتونو کې د وسله والو طالبانو ځانمرگو بریدونو او چاودنو زور اخیستی چې باید امنيتي ځواکونه یې په اړه ولسي جرگې ته وضاحت ورکړي، چې ولې د پخوا په پرتله په دې وروستیو دوه، دريو اوونیو کې په هېواد کې بد امنی زیاتي شوي دي.)

شکرېه هاشمي پاکستان ته د ولسمشر غني د رسمي سفر په اړه وویل چې باید دغې سفر مثبتې پایلې درلودلې وای؛ خو دا چې پاکستان خپلې همکاری سپموي افغان دولت گرم نه دی.

نوموړې زیاته کړه: (افغان دولت هر کله له پاکستان سره په صداقت خبرې کړي، که هغه د کرزي حکومت وو او که د اشرف غني حکومت دی، په خپلو خبرو کې یې تل رښتیا ويلي او د خپلو سیالانو خبرې هم له صداقته ډکې گڼي؛ خو پاکستان هېڅ کله له افغان دولت سره په خپلو کړو ژمنو وفا نه ده کړې او تل یې د هغوی پر وړاندې په غېږې مستقیم ډول مخالفونه کړي دي.)

اغلی هاشمي په خپلو خبرو کې وویل، اوس چې پاکستانی چارواکو له ولسمشر غني سره کومې خبرې مطرح کړي ښايي صادقانه ونه اوسي خو دغه سفر بیا هم اغېزې درلودلای شي.

همدا راز د پوځي چارو کارپوه ښاغلی هادي خالد بیا وایي چې پاکستان د افغان سولې پر وړاندې دومره خنډونه رامنځته کړي دي چې په موجودیت کې یې د سولې خبرې اتري اسانه نه دي.

هغه پرته د پاکستان له همکاریو د افغان سوله نا ممکنه و گڼله او زیاته یې کړه چې که پاکستان غواړي په افغانستان کې سوله راشي ورته په کار ده چې له هرڅه د مخه دوی په افغانستان کې خپلې لاس وهنې ودروي.

ښاغلي خالد ماندگار ته وویل: (پاکستان د افغان دولت او وسله والو ترمنځ د غرونو په شان خنډونه جوړ کړي دي چې له دې ټولو خنډونو له منځه تلل او یا پر دوی ور اوبښل اسان نه دي، دا ټول په هغه وخت کې امکان لري چې پاکستان په خپله دغه خنډونه له منځه یوسي.)

ښاغلي خالد په خپلو خبرو کې هغه غوښتنې چې افغان دولت یې له پاکستان څخه لري او ژمنې ورسره شوي دي د باور وړ نه گڼي او زیاتوي چې: (موږ هیله مند یو چې پاکستان به په افغان سوله کې مرسته وکړي، خو وړاندې له دې چې ولسمشر غني پاکستان ته سفر وکړي زه په دې باوري نه وم چې دا سفر دې د سولې په اړه لازمي لاسته راوړنې ولري لکه چې له سفر وروسته په ډاگه شوه.)

نوموړې د خپلو خبرو په ترڅ کې وویل چې پاکستان په خپله ولسمشر غني ته د ملامتیا بلنه ورکړې وه او د مېلمه پالنې دود یې ورسره تر سره کړ؛ خو له سفر وروسته یې ټول هغه توقعات چې ولسمشر غني او ولسونو یې له دې هېواده غوښتل په سم ډول ونه منل شو.

هغه وایي: (پاکستان وروسته له هغې چې ولسمشر غني رخصت کړي، د پخوانۍ هنجري مولوي فضل الرحمن په خوله یې په افغانستان کې د جگړې اعلان وکړ.)

ښاغلی خالد وایي چې مولوي فضل الرحمن اوس د پاکستان لپاره سل په سله باوري کس دی چې په واسطه یې هغه فعالیتونه چې پوځ او استخبارات یې غواړي تر سره کړي.

د هغه په خبره پاکستان د دې لپاره سیاسي دیني عالم مولوي فضل الرحمن ساتلی چې له وسله والو طالبانو سره دېرې نېردي اړیکې لري او له دې وړاندې یې هم د دې هېواد د اهدافو لپاره بیا بیا په افغانستان کې د جگړې فتواوې ورکړي دي.

که څه هم چې ښاغلی خالد پر پاکستان د نړیوالو فشارونه جدي گڼي؛ خو وایي چې دا هېواد بیا هم د افغان سولې لپاره خوشبین نه دي.

ولسمشر غني د خپل دې رسمي سفر په اړه ويلي وو چې د دېبارلسو کالو سفرونه یې په دوه ورځو کې طی کړل او لاسته راوړنې یې خوار مهمې وگڼلې؛ خو بیا هم وروستي بریدونه د دې شاهدان دي چې پاکستان به په خپلو ژمنو لکه د تېر په شان بې تفاوته پاتې شي.

www.mandegardaily.com
Like MandegarDailyNews
ماندگار

روزنامه ماندگار برای سال جاری خورشیدی مشترک می پذیرد



برای دانشجویان و اساتید دانشگاه
سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

دفتار څارچي
سه ماهه - ۱۰۰ دالر
شش ماهه - ۲۰۰ دالر
نه ماهه - ۳۰۰ دالر
یک ساله - ۴۰۰ دالر



نارسییده په منزل یا دفتار
سه ماهه - ۱۰۰۰ افغانی
شش ماهه - ۲۰۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۰۰۰ افغانی
یک ساله - ۴۰۰۰ افغانی

برای دفاتر
سه ماهه - ۱۲۵۰ افغانی
شش ماهه - ۲۵۰۰ افغانی
نه ماهه - ۳۷۵۰ افغانی
یک ساله - ۵۰۰۰ افغانی



حساب بانکی روزنامه ماندگار در میوند بانک: Mandegar daily Bank Account in Maiwand- Bank: 1001201077988

برای اشتراک در روزنامه با این شماره‌ها به تماس شوید: +۷۷۶۹۳۰۵۶۵ - +۷۸۴۳۰۱۶۴۰